

تفاوت‌های نسلی در ازدواج خویشاوندی در استان سمنان^۱

حجیه بی بی رازقی نصرآباد*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۱۰

چکیده

در مسیر مدرن شدن جوامع، خانواده در معرض تغییراتی قرار گرفته و این تغییرات در تفاوت‌های نسلی در ارزش‌ها، نگرش به ازدواج، شیوه‌های همسرگزینی و سن ازدواج بازتاب پیدا کرده است. هدف از این مقاله، بررسی و مقایسه کوهورتی ازدواج خویشاوندی است. روش تحقیق، پیمایشی و نمونه مورد مطالعه شامل ۴۰۵ زن ازدواج کرده ساکن در استان سمنان است. نتایج نشان می‌دهد که ۴۰ درصد از ازدواج‌ها در استان سمنان از نوع خویشاوندی هستند و ۲۷/۴ درصد از زنان با خویشاوند نزدیک ازدواج کرده‌اند. این در حالی است که تفاوت‌های معناداری در وقوع ازدواج خویشاوندی در بین سه کوهورت وجود دارد. نزدیک به نیمی از زنان کوهورت متولدین دهه ۱۳۴۰ با خویشاوندان خود ازدواج کرده‌اند، در حالی که در کوهورت متولدین دهه ۱۳۶۰ یک‌سوم از ازدواج‌ها به صورت خویشاوندی است. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد که تفاوت‌های مشاهده شده در ازدواج خویشاوندی در بین سه کوهورت عمدتاً بازتاب تفاوت‌های نسلی در سطح تحصیلات است و تحصیلات یک عامل تعیین‌کننده در تفاوت‌های ازدواج خویشاوندی در بین کوهورت‌های مختلف است. یافته‌های مطالعه نشان داد که خانواده متأثر از جریان نوسازی، دچار تغییر و دگرگونی شده و یکی از نتایج این تغییر، کاهش ازدواج خویشاوندی در نسل متولدین دهه ۱۳۶۰ است.

کلید واژه‌ها: خانواده، ازدواج خویشاوندی، کوهورت، تفاوت‌های نسلی، نوسازی، سمنان.

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی «بررسی رفتارهای ازدواج و باروری زنان حداقل یکبار ازدواج کرده ۴۹-۱۵ساله استان سمنان» می‌باشد که در سال ۱۳۹۳ در مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور به اتمام رسیده است. از راهنمایی‌های ارزشمند دکتر حسن سرایی، دکتر مهسا سعادت و دکتر آرزو باقری در انجام این طرح قدردانی می‌گردد.

*. استادیار جمعیت‌شناسی، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور hajjieh.razeghi@psri.ac.ir

مقدمه

تا ابتدای قرن بیستم، متأثر از شیوه تولید اقتصادی که عمدتاً مبتنی بر کشاورزی و دامداری بود، خانواده واحد اصلی تولید بود. الگوی هنجاری و متداول خانواده در ایران خانواده سنتی بود. بنابراین با توجه به مقتضیات خانواده در آن دوران، ازدواج و فرزندآوری اهمیت بالایی داشت؛ ازدواج در سنین پایین و با خویشاوندان نزدیک بسیار رایج بود (کتابی، ۱۳۷۹)؛ ازدواج عموماً به صورت ترتیب‌یافته صورت می‌گرفت و درون‌همسری رواج داشت (عباسی شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۴: ۳۴). سرایی (۱۳۸۵) درباره خانواده پیش از گذار می‌نویسد: «دایره اختیار فرد بسیار محدود و نفوذ جامعه در او بسیار شدید بود. فرد در آن زمان هویت مستقلی نداشت و این جامعه بود که از طریق خانواده، فامیل و اجتماع هویت او را تعیین می‌کرد. در جامعه پیش از گذار ایران، دایره اختیارات فرد بسیار محدود بود، دختر و پسر در انتخاب همسر خود اختیار قابل ملاحظه‌ای نداشتند و وقتی پسر یا دختر به سن ازدواج می‌رسیدند، بزرگترهای فامیل با ملاحظات فامیلی، طبقاتی، قومی، دینی و ... ازدواج بین دختر و پسر را ترتیب می‌دادند» (سرایی، ۱۳۸۵: ۴۹).

در قرن اخیر جامعه ایران در مسیر تغییرات اقتصادی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی متعددی قرار گرفت. در ابتدای قرن بیستم با تلاش مستمر حکومت، فرایند الگوپذیری از غرب و مدرنیزاسیون آغاز شد و تا زمان انقلاب اسلامی ادامه یافت. بخشی از برنامه‌های مرتبط با جریان مدرنیزاسیون با اصلاحات ارضی اداری و قانونی مرتبط شد. در این دوره، جهت‌گیری سیاسی حکومت در راستای ایجاد تغییرات نمادین و قانونی برای ارتقای پایگاه اجتماعی زنان و سهم کردن آنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خارج از منزل بود. در سال ۱۳۴۵ قانون حمایت از خانواده تصویب شد، در این قانون، سن قانونی ازدواج برای مردان به ۱۸ و برای زنان به ۱۶ سال افزایش یافت. علاوه بر تغییر در ابعاد ساختاری، حکومت اقدامات و برنامه‌ریزی‌های متعددی در جهت تحول ارزشی و نگرشی مردم و جایگزینی آنها با ارزش‌های غربی انجام دادند (عسکری ندوشن، ۱۳۸۲).

به دنبال انقلاب اسلامی که در پاسخ به روند نوسازی مهار نشده پیش آمد، روند تغییرات ایجاد شده در ابعاد سازمانی، اقتصادی و فرهنگی مسیرهای مختلفی پیدا کرد (سرایی، ۱۳۸۵). در سال‌های دهه ۱۳۶۰ شاهد بازتعریف مجدد جنبه‌های گوناگون زندگی ایرانیان هستیم. یکی

از ویژگی‌های اساسی انقلاب، تأکید زیاد بر احیاء ارزش‌های اسلامی بود، از این‌رو در قلمرو ارزش‌های خانوادگی جامعه ایران نوعی بازگشت به سنت‌های ریشه‌دار و اصول مذهبی اسلام صورت گرفت (عباسی شوازی، ۲۰۰۰؛ هودفر و اسدپور، ۲۰۰۰: ۲۱). طی دو دهه اخیر با تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، گسترش ارتباطات و تکنولوژی مدرن، جامعه ایرانی بیش از پیش در مسیر تجدد و نوآوری قرار گرفت. این تغییرات به‌دنبال خود تحولات تدریجی در ارزش‌های مذهبی و سمبل‌های مرتبط با آن و جایگزینی آنها با عناصر فرهنگی غرب و ارزش‌های مادی را به همراه داشت (عسکری ندوشن، ۱۳۸۲).

همانطور که شرح داده شد، در قرن اخیر جامعه ایران تغییرات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را تجربه کرده است. بی‌تردید همسو با روند تحولات اقتصادی - اجتماعی، خانواده ایرانی نیز در جریان تغییرات و تحولات قابل توجهی قرار گرفته است. بدیهی است در راستای شرایط تغییر یافته خانواده به عنوان یک نهاد مهم اجتماعی بدون تغییر نبوده است. از این‌رو انتظار می‌رود در الگوهای خانواده و همسرگزینی نسلی که در آن دوران وجود داشت، تغییراتی ایجاد شده باشد. یکی از شیوه‌های سنتی همسرگزینی، ازدواج خویشاوندی است که مقاله حاضر آن را کانون توجه خود قرار داده و انتظار بر این است که بازتاب تحولات اخیر در کاهش این نوع ازدواج باشد.

ازدواج خویشاوندی^۱ نوعی از ازدواج است که زن و شوهر حداقل یک جد مشترک دارند (حافظ و همکاران، ۱۹۸۳). این نوع ازدواج به‌عنوان یکی از مشخصه‌های شدت ارتباط و تعامل میان خانواده و شبکه خویشاوندی می‌باشد (کاظمی پور، ۱۳۹۰).

ازدواج‌های خویشاوندی در کشورهای خاورمیانه، شمال آفریقا، آسیای غربی، جنوبی و مرکزی رواج دارد (بیتلز، ۱۹۹۴؛ عباسی شوازی و همکاران، ۲۰۰۶). بر پایه مطالعات انجام گرفته، الگوی سنتی ازدواج در ایران نیز ازدواج خویشاوندی است (کتابی، ۲۰۰۰ به نقل از عباسی شوازی و همکاران، ۲۰۰۸: ۲) و رواج آن در میان افراد برخوردار از ویژگی‌ها و زمینه خانواده‌گی سنتی بیشتر است. همان‌طور که گفته شد در چند دهه اخیر جامعه ایران، در مسیر تغییرات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار گرفته است، وقایعی نظیر انقلاب، جنگ و

سپس گسترش ارتباطات و اطلاعات و وقوع تغییراتی تحت عنوان مدرنیته و جهانی شدن اتفاق افتاده است. بنابراین انتظار می‌رود، متأثر از فرایندهای مدرن شدن جامعه از عمومیت ازدواج خویشاوندی کاسته شده باشد. در این مقاله تغییر الگوهای همسرگزینی را از طریق بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های بین کوهورت‌های مختلف در استان سمنان بررسی می‌کنیم. مطالعه تفاوت‌های ازدواج خویشاوندی در کوهورت‌های مختلف از آن‌رو مهم است که علاوه بر درک تغییرات خانواده و بالاجهت شیوه‌های همسرگزینی، به شناخت چگونگی و نوع تغییر این فرایند در آینده کمک می‌کند. در این راستا این مقاله سعی دارد به سوالات زیر پاسخ دهد: ازدواج خویشاوندی در کوهورت‌های مختلف چگونه است؟ با لحاظ نمودن سایر ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی، تفاوت‌های نسلی در ازدواج خویشاوندی چگونه است؟

چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

یکی از مهمترین نظریه‌هایی که در سطح وسیعی از تحقیقات برای شناخت روند، و تعیین‌کننده‌های الگوهای تشکیل خانواده مورد استفاده قرار گرفته، نظریه مدرنیزاسیون است. بر اساس این نظریه، بین صنعتی شدن و فرایندهای دگرگونی اجتماعی - سیاسی همبستگی وجود دارد. اگر همه جوامع در مسیر صنعتی شدن گام بردارند، از الگوی جامعه مدرن و صنعتی برخوردار خواهند بود. توسعه اقتصادی نشانه‌هایی از دگرگونی را به همراه می‌آورد که نه فقط صنعتی شدن بلکه شهرنشینی، آموزش و پرورش همگانی، تخصصی شدن مشاغل و توسعه ارتباطات را دربر می‌گیرد و این پدیده‌ها به نوبه خود با دگرگونی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پیوند دارد. این نظریه با تأکید بر تغییرات ساختی و گذار از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی، تغییر الگوهای ازدواج و باروری را به تغییرات ساختاری در زندگی اجتماعی به جهت ظهور نیروهای جدید اجتماعی و سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و آموزش همگانی، مرتبط می‌کند. بر این اساس تحولات ازدواج و خانواده به‌عنوان سازگاری نظام‌مند با تغییر در شرایط نظام اجتماعی تغییر یافته در نظر گرفته می‌شود (عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۴؛ حسینی، ۱۳۸۹).

در فرایند مدرنیزاسیون، افراد به دنبال حداکثر سود و منفعت فردی خود هستند. بر اساس این تئوری، به دلیل فروپاشی ترتیبات سنتی حاکم بر زندگی روزمره افراد، همراه با استقرار

سبک‌های نوین زندگی شهری و صنعتی، انگیزه افراد برای تشکیل خانواده و فرزندآوری تغییر می‌کند. به عبارتی، هم‌زمان با این تحولات، نوعی انطباق در الگوهای تشکیل خانواده با شرایط جدید رخ می‌دهد.

ویلیام گود^۱ (۱۹۶۳) در نظریه هم‌گرایی خانواده، ایده انقلاب جهانی در الگوهای خانواده را مطرح می‌کند. گود بر این باور است که در جوامع مختلف، به‌عنوان نتیجه فرایند متداول جهانی مدرنیزاسیون، صنعتی شدن و شهرنشینی، تفاوت‌ها در سنت‌های اجتماعی از میان برداشته می‌شود و جامعه‌های مدرن به‌طور هم‌گرا و با ویژگی‌های کم و بیش یکسانی با هم مشابهت پیدا می‌کنند. وی اظهار داشت که همان‌گونه که خانواده با شرایط زندگی مدرن وفق می‌یابد و زنان شروع به مشارکت در فعالیت‌های غیرخانگی می‌کنند، ممکن است الگوی مشابهی را در فرایند شکل‌گیری خانواده انتظار داشته باشیم. چنین الگوهایی ممکن است شامل، آزادی در انتخاب همسر، ازدواج در سنین بالاتر، فرزندآوری در سن بالاتر و طول سالیان کمتر، تعداد فرزندان کمتر و برابری جنسیتی باشد.

در جریان نوسازی، بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده به سازمان‌ها و نهادهای دیگر واگذار می‌شود. در نتیجه خانواده به واحد هسته‌ای که بر فردگرایی استوار است، تبدیل می‌شود. بدین معنی بخش عمده‌ای از تصمیمات مربوط به زندگی اعضای خانواده، مانند تصمیم‌گیری در مورد تشکیل خانواده و ازدواج توسط خود فرد اتخاذ می‌شود. از این رو شروع نوسازی، کاهش کارکرد نظام خویشاوندی و خانواده گسترده و افزایش تعداد افرادی که خودشان آزادانه همسرشان را انتخاب می‌کنند، با کاهش ازدواج خویشاوندی هم‌بسته است. اگرچه نظریه گود در زمینه هم‌گرایی خانواده و رابطه خطی مدرنیزاسیون و الگوهای ازدواج، توسط برخی محققان به چالش کشیده شده است (مورگان و هیروسیما، ۱۹۸۳؛ عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵)، مطالعات زیادی نیز نشان دادند که احتمال ازدواج خویشاوندی در زنان برخوردار از ویژگی‌های مدرن کمتر است (حسین و بیلتر، ۲۰۰۰؛ گیونز و هیرشمن، ۱۹۹۴؛ کتابی، ۱۳۷۹).

گسترش و همگانی شدن تحصیلات، یکی از دستاوردهای مهم نوسازی است. تأثیر قدرتمند میزان تحصیلات بالا بر کاهش ازدواج خویشاوندی در بسیاری از مطالعات نشان داده

شده است (گیونز و هیرشمن، ۱۹۹۴؛ حسین و بانیان^۱، ۱۹۹۷؛ سگالن، ۱۳۷۰). افزایش سطح تحصیلات افراد، بسیاری از عوامل مرتبط با ازدواج نظیر انتظار از روابط زناشویی و ازدواج نحوه انتخاب همسر را تحت تأثیر قرار داده است. مثلاً برای زنان با تحصیلات بالاتر، امکان حضور فعال در بخش‌های مختلف جامعه بیشتر می‌شود (گود، ۱۹۶۳)، همچنین افزایش آگاهی زنان در مورد خطرات بهداشتی ازدواج خویشاوندی یکی از دلایل کاهش این شیوه ازدواج در میان زنان با تحصیلات بالاتر است (عبدالله و زاهر، ۲۰۱۳؛ مهدریتا و همکاران، ۲۰۰۷). همچنین نوسازی از طریق گسترش اشتغال زنان به‌ویژه اشتغال در بخش‌های مدرن که با تحصیلات بالاتر همراه است، امکانات حضور در فعالیت‌های بیرون از خانه را فراهم کرده و موقعیت زنان را بهبود بخشیده است. موقعیت بهبود یافته زنان با افزایش سن ازدواج، افزایش دامنه انتخاب همسر، قدرت تصمیم‌گیری در خانواده و انتخاب آزادانه‌تر همراه بوده است.

بنابراین بر اساس دیدگاه نوسازی ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی افراد، نظیر میزان تحصیلات و اشتغال، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، انتظارات از ازدواج و خانواده، میزان در دسترس بودن همسر مناسب، موقعیت زنان در جامعه و ... از عوامل اصلی مؤثر بر ازدواج خویشاوندی به‌شمار می‌روند.

بر پایه مطالعات انجام گرفته در ایران، ازدواج خویشاوندی الگوی سنتی ازدواج در ایران است (کتابی، ۱۳۷۹) و رواج آن در میان افراد برخوردار از ویژگی‌ها و زمینه خانوادگی سنتی بیشتر است. گیونز و هیرشمن (۱۹۹۴) با استفاده از داده‌های طرح بررسی باروری ایران (۱۹۷۷) نشان دادند که ۴۰ درصد ازدواج‌ها از نوع خویشاوندی است. نتایج مطالعه گیونز و هیرشمن نشان می‌دهد که در ایران ازدواج خویشاوندی همبستگی زیادی با سن پایین ازدواج، دارد. بهبود موقعیت زنان از جهت سطح تحصیلات و وضعیت شغلی احتمال ریسک ازدواج خویشاوندی را کاهش می‌دهد. نتایج این مطالعات می‌تواند فرض تأثیر جریان نوسازی بر الگوهای همسرگزینی در ایران را مورد تأیید قرار دهد.

نتایج مطالعه عباسی شوازی و همکاران (۱۳۸۳؛ ۲۰۰۶) که با استفاده از داده‌های طرح انتقال باروری در ایران در چهار استان گیلان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی و یزد انجام

گرفت، نشان می‌دهد که ۴۰ درصد از ازدواج‌ها به صورت خویشاوندی است. بالاترین میزان مربوط به استان سیستان و بلوچستان (۷۷/۴ درصد) و کمترین آن مربوط به استان گیلان (۲۴ درصد) است. در استان‌های یزد و آذربایجان غربی به ترتیب ۴۶/۳ و ۳۲/۶ درصد از ازدواج‌ها خویشاوندی است.

عباسی شوازی و صادقی (۱۳۸۴) در مطالعه‌ای با عنوان قومیت و الگوهای ازدواج در ایران به بررسی الگوهای ازدواج میان گروه‌های قومی در ایران پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان داد که هویت قومی یک عامل تعیین‌کننده در الگوهای ازدواج در ایران است. ازدواج خویشاوندی در میان بلوچها بیشتر از سایر گروه‌های قومی در ایران دیده می‌شود. بعد از این گروه، بیشترین نسبت ازدواج خویشاوندی به ترتیب مربوط به گروه‌های قومی عرب و لر است و کمترین نسبت در بین زنان گیلکی دیده می‌شود.

عباسی شوازی و ترابی (۱۳۸۵ الف) مطالعه‌ای با عنوان سطح، روند و الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران انجام دادند. بر اساس این مطالعه ازدواج خویشاوندی به عنوان الگوی ازدواج مطلوب در ایران به شمار می‌آید و ۴۲ درصد از ازدواج‌های صورت گرفته در کشور از نوع خویشاوندی بوده است. یافته‌های مطالعه این محققین بیانگر آن است که ازدواج خویشاوندی، علی‌رغم تأثیرپذیری ایران از فرایندهای مدرنیزاسیون، شهرنشینی و صنعتی شدن در دهه‌های گذشته، از ثبات و تداومی نسبی برخوردار بوده است.

عباسی شوازی و ترابی (۱۳۸۵ ب) در مطالعه دیگری که به بررسی تفاوت‌های بین نسلی ازدواج خویشاوندی در ایران پرداخته است نشان دادند که تفاوت‌های بین نسلی فرزندان و والدین در ویژگی‌ها و مشخصه‌های فردی منجر به کاهش مطلوبیت و رواج ازدواج خویشاوندی نگردیده است.

یافته‌های مطالعه کاظمی‌پور (۱۳۹۰) که در مورد تحولات ازدواج و طلاق انجام گرفته است، نشان می‌دهد که در میان گروه‌های سنی بیشترین میزان ازدواج خویشاوندی چه نزدیک و چه دور برای زنانی است که در سن ۱۵ - ۱۹ سالگی ازدواج می‌کنند و بر اساس این مطالعه هر چه جامعه کوچکتر و دایره همسرگزینی محدودتر باشد، ازدواج‌ها زودتر صورت می‌گیرد و یا بالعکس هر چه ازدواج‌ها زودتر باشد دایره همسرگزینی محدودتر است؛ در واقع با بالا رفتن سن ازدواج، ازدواج خویشاوندی کمتر می‌شود.

حسینی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای به بررسی تفاوت‌های قومی در رفتارهای ازدواج زنان در شهرستان ارومیه پرداخت. نتایج این مطالعه نشان داد که به لحاظ رفتاری و نگرشی در برخی از ابعاد مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده بین زنان کرد و ترک تفاوت‌های معناداری وجود دارد. ازدواج خویشاوندی در میان کردها از عمومیت بیشتری برخوردار است. بنابراین قومیت تأثیر زیادی بر الگوی ازدواج خویشاوندی دارد.

روش تحقیق و داده‌ها

داده‌های این مقاله حاصل مطالعه‌ای پیمایشی-مقطعی با عنوان «شمار فرزندان موجود و فرزندان ایده‌ال و شکاف میان آنها در سه استان منتخب سمنان، کهگیلویه و بویراحمد، و هرمزگان» است که با استفاده از پرسش‌نامه ساخت‌یافته در سال ۱۳۹۱ جمع‌آوری شده است (رازقی نصرآباد، ۱۳۹۱). در این مقاله، از اطلاعات استان سمنان استفاده شد.

استان سمنان یکی از استان‌هایی است که در مسیر مدرنیزاسیون و توسعه گام‌های مؤثری برداشته است و هم‌اکنون به‌عنوان یکی از استان‌های توسعه‌یافته محسوب می‌شود. انتظار می‌رود متأثر از جریان‌های نوسازی، صنعتی شدن و شهرنشینی در این استان تغییراتی در نوع ازدواج صورت پذیرد. در طرح مذکور بر اساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) استان سمنان و فرمول حجم نمونه کوکران، ۴۰۵ زن ۱۵ تا ۴۹ ساله ازدواج کرده به‌عنوان نمونه محاسبه شد. ۴۰۵ نمونه به‌دست آمده در این مرحله باید به نمونه‌های زنان شهری و روستایی ۱۵-۴۹ ساله حداقل یکبار ازدواج کرده تقسیم شود. از آنجا که تقریباً ۷۷ درصد جمعیت ۱۵-۴۹ ساله حداقل یکبار ازدواج کرده زنان کل این استان (۱۱۸۴۷۳ نفر) را زنان شهری (۹۱۵۶۱ نفر) تشکیل می‌دادند، حجم نمونه‌ای معادل با ۳۱۳ زن شهری به همین نسبت از نمونه کل (۴۰۵ نمونه) انتخاب شد و مابقی نمونه را نیز زنان روستایی این استان تشکیل دادند (۹۲ نمونه).

روش نمونه‌گیری برای انتخاب زنان شهری در این استان، نمونه‌گیری طبقه‌ای چندمرحله‌ای^۲ است به طوری که نخست، چهار شهرستان این استان که شامل سمنان، شاهرود،

۱. با توجه به اینکه در زمان اجرای تحقیق اطلاعات سرشماری ۹۰ هنوز ارائه نشده بود، بنابراین اندازه‌گیری نمونه براساس سرشماری ۱۳۸۵ بوده است.

دامغان و گرمسار هستند و به ترتیب ۳۸/۱۸، ۳۴/۹۹، ۱۳/۹۴ و ۱۲/۸۹ درصد از کل جمعیت زنان حداقل یکبار ازدواج کرده شهری استان را دارا می‌باشند به دو طبقه شهرستان‌های پرجمعیت (سمنان و شاهرود) و کم جمعیت (دامغان و گرمسار) این استان تقسیم شدند. سپس از بین هر یک از این دو طبقه به تصادف یک شهرستان (شهرستان‌های سمنان و دامغان) انتخاب و در مرحله بعد، با استفاده از روش نمونه‌گیری تخصیص متناسب با حجم نمونه^۱، نمونه‌هایی متناسب با جمعیت زنان حداقل یکبار ازدواج کرده در این دو شهرستان انتخاب شدند.

از آنجا که ۰/۷۳ درصد زنان شهری حداقل یکبار ازدواج کرده در مجموع این دو شهرستان (۶۳۷۳۷ نفر)، زنان شهری سمنانی بودند (۴۶۶۹۴ نفر)، متناسب با این تعداد، ۲۲۸ نمونه از زنان شهری حداقل یکبار ازدواج کرده شهرستان سمنان (۰/۷۳ درصد از ۳۱۳ نمونه) و ۸۵ نمونه از زنان شهری حداقل یکبار ازدواج کرده شهرستان دامغان نمونه‌گیری شد.

روش نمونه‌گیری برای انتخاب زنان روستایی در این استان نیز نمونه‌گیری طبقه‌ای چندمرحله‌ای است به طوری که نخست، از چهار شهرستان این استان که شامل سمنان، شاهرود، دامغان و گرمسار هستند، دو شهرستان سمنان و دامغان به تصادف انتخاب شدند. در مرحله بعد، با استفاده از روش نمونه‌گیری تخصیص متناسب با حجم نمونه، نمونه‌هایی متناسب با جمعیت زنان روستایی حداقل یکبار ازدواج کرده در این دو شهرستان انتخاب شد. از آنجا که ۵۱/۴۵ درصد زنان روستایی حداقل یکبار ازدواج کرده در مجموع این دو شهرستان (۱۲۷۵۴ نفر)، زنان روستایی سمنانی بودند (۶۵۶۲ نفر)، متناسب با این تعداد، ۴۷ نمونه از زنان حداقل یکبار ازدواج کرده شهرستان سمنان (۵۱/۴۵ درصد از ۹۲ نمونه) و ۴۵ نمونه از زنان روستایی حداقل یکبار ازدواج کرده شهرستان دامغان نمونه‌گیری شد.

به منظور انجام نمونه‌گیری از ۹۲ زن روستایی حداقل یکبار ازدواج کرده شهرستان سمنان و دامغان، طبق اطلاعات موجود در سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵ از تعداد آبادی‌های دارای ۲۰ خانوار و بیشتر این دو شهرستان (به ترتیب ۲۵ و ۶۷ آبادی در سمنان و دامغان)، دو آبادی خیرآباد (۸۰۲ خانوار و ۳۰۲۲ نفر جمعیت) و رکن‌آباد (۲۵۶ خانوار و ۱۰۲۵ نفر جمعیت) از شهرستان سمنان و آبادی مومن‌آباد (۱۵۹ خانوار و ۵۵۰

نفر جمعیت) از شهرستان دامغان به تصادف به منظور اجرای نمونه‌گیری انتخاب شدند. در مرحله بعد، از زنان روستایی حداقل یکبار ازدواج کرده آبادی مومن‌آباد در شهرستان دامغان ۴۵ نمونه و به تناسب تعداد خانوار در دو آبادی خیرآباد و رکن‌آباد شهرستان سمنان، از زنان روستایی حداقل یکبار ازدواج کرده آنان، ۴۷ نمونه (۳۶ نمونه از آبادی خیرآباد و ۱۱ نمونه از آبادی رکن‌آباد) انتخاب شد.

متغیر وابسته در این مطالعه ازدواج خویشاوندی است، این متغیر که نسبت فامیلی بین زن و شوهر را نشان می‌دهد و با شش گزینه پسر عمو، پسر خاله، پسر دایی، پسر عمه، سایر خویشاوند و غیرخویشاوند پرسیده شد. چهار طبقه اول به‌عنوان خویشاوند نزدیک و یا درجه اول در نظر گرفته شد. مقوله پنجم، خویشاوند دور یا سایر خویشاوندان می‌باشد. برای سنجش عمومیت و همچنین شناخت رابطه ازدواج خویشاوندی و متغیرهای مستقل در تحلیل دومتغیره، ازدواج از نظر خویشاوندی به سه طبقه خویشاوند نزدیک، خویشاوند دور و غیرخویشاوند طبقه‌بندی شده است. در تحلیل چندمتغیره، خویشاوند نزدیک و خویشاوند دور مجموعاً به‌عنوان ازدواج خویشاوندی در نظر گرفته شده است. بنابراین متغیر وابسته به یک متغیر اسمی دوجهبی تبدیل و به دو گزینه خویشاوند و غیرخویشاوند تبدیل شده است. مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیت‌شناختی که مورد پرسش قرار گرفت به شرح زیر است:

هم‌دوره (کوهورت): هم‌دوره عبارت است از موالید یک گروه از افراد که در دوره یکسانی متولد شده‌اند و زمان فردی مشابهی را در بستر تاریخی یکسانی تجربه کرده‌اند (ریدر، ۱۹۶۵). نمونه بررسی شده شامل زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله‌اند که متولدین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۵ را شامل می‌شوند و در این مطالعه در سه هم‌دوره قرار گرفته‌اند. متولدین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۹ به‌عنوان کوهورت تولد دهه ۱۳۴۰، متولدین سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۹ به‌عنوان کوهورت تولد دهه ۱۳۵۰ و متولدین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۵ به‌عنوان کوهورت تولد بعد از سال ۱۳۶۰ در نظر گرفته شده‌اند.

سن در اولین ازدواج: بیانگر سن پاسخگو در زمان اولین ازدواج است و به سال می‌باشد. این متغیر در سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شده است که به پنج گروه سنی شامل کمتر از ۱۷، ۱۸ تا ۲۱، ۲۲ تا ۲۴ و ۲۵ به بالا طبقه‌بندی شده است.

سطح تحصیلات: این متغیر از طریق طرح سؤالی در زمینه سواد پاسخگو در سطح ترتیبی و در چهار مقوله ابتدایی و کمتر، راهنمایی، متوسطه، و دیپلم و بالاتر اندازه‌گیری شده است.

محل سکونت: این متغیر در سطح سنجش اسمی و در دو مقوله شهر و روستا اندازه‌گیری شده است.

وضعیت شغلی: اشتغال انجام هرگونه فعالیتی که پاسخگو به‌عنوان شغل خود اعلام می‌کند، بابت آن مزد دریافت می‌کند و یا به‌نوعی در تولید درآمد خود سهیم است، اعم از اشتغال در منزل و یا خارج از منزل (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۲۶). این متغیر به‌صورت اسمی دووجهی با دو گزینه شاغل و غیرشاغل سنجیده می‌شود. غیرشاغل شامل کلیه زنان خانه‌دار، محصل، دانشجو و مستمری‌بگیر می‌باشد.

برای تحلیل رابطه میان متغیرهای مستقل و متغیرهای وابسته از نرم‌افزار SPSS استفاده شد و سپس با استفاده از تحلیل دو متغیره به آزمون رابطه بین متغیرها پرداخته‌ایم. همچنین به‌منظور شناخت تأثیر مستقل متغیر نسل بر احتمال وقوع ازدواج خویشاوندی از رگرسیون لجستیک بهره گرفته‌ایم.

یافته‌ها

تغییرات نسلی در مشخصه‌های اجتماعی - جمعیتی

مشخصه‌های اجتماعی - جمعیتی زنان، در سه نسل در جدول ۱ ارائه شده است. حدود ۳۲ درصد از نمونه در سنین ۴۰ تا ۵۰ ساله هستند و نسل متولدین دهه ۱۳۴۰ را تشکیل می‌دهند. نسل متولدین دهه ۱۳۵۰، ۳۵/۸ درصد و نسل متولدین دهه ۱۳۶۰، ۳۱/۹ درصد از نمونه را شامل می‌شوند.

توزیع درصدی سطح تحصیلات به تفکیک نسل حکایت از افزایش سطح تحصیلات زنان، کاهش بی‌سوادی، افزایش درصد زنان با تحصیلات دانشگاهی در استان سمنان دارد. تحلیل نسلی این متغیر نشان می‌دهد که مسیر تغییرات در سطح تحصیلات افزایشی بوده است و هرچه در سطوح نسلی جلو می‌رویم به‌طور معناداری از درصد زنان در سطوح تحصیلی پایین، کاسته شده و به سطح بعدی افزوده شده است. کوهورت متولدین دهه ۱۳۶۰ عموماً تحصیلات دانشگاهی دارند. تحصیلات تأثیر زیادی بر تغییر رفتارهای ازدواج دارد و ما انتظار داریم با توجه به افزایش سطح تحصیلات زنان در نسل متولدین دهه ۱۳۶۰ شاهد تغییرات اساسی در شیوه‌های همسرگزینی این نسل با نسل‌های پیشین و به‌ویژه کوهورت متولدین دهه ۱۳۴۰ باشیم.

بر اساس یافته‌های جدول کمتر از یک سوم زنان در نمونه مورد مطالعه شاغل هستند و تغییر محسوسی در افزایش درصد شاغلان زن در سه نسل مشاهده می‌شود. در حالی که فقط ۱۳ درصد از زنان در نسل متولدین دهه ۱۳۴۰ شاغل هستند، در نسل بعدی درصد شاغلین افزایش کمی یافته و به ۱۶ درصد رسیده و با اختلاف درصدی معادل ۱۷/۲ درصد، زنان شاغل در نسل متولدین دهه ۱۳۶۰ به ۳۰/۲ درصد افزایش یافته است. توزیع درصدی زنان بر اساس محل سکونت نیز حکایت از افزایش معنادار شهرنشینی، در این استان در سه نسل دارد. به گونه‌ای که حدود ۳۵ درصد از زنان متولدین دهه ۱۳۴۰ در روستا زندگی می‌کنند، اما در نسل متولدین دهه ۱۳۶۰ به ۱۰ درصد کاهش یافته است.

جدول ۱. توزیع درصدی زنان بر اساس مشخصه‌های اجتماعی - جمعیتی به تفکیک کوهورت در

استان سمنان

متغیر	متولدین دهه ۱۳۴۰	متولدین دهه ۱۳۵۰	متولدین دهه ۱۳۶۰ به بعد	نوع آزمون	آزمون آماری	-P مقدار
محل سکونت	شهر	۶۴/۹	۷۷/۲	آزمون کای اسکوئر	۲۳/۲	۰/۰۰۰
	روستا	۳۵/۱	۲۲/۸	آماره گاما (معیار پیوند)	-۰/۴۵۵	
وضعیت اشتغال	شاغل	۱۳/۰	۱۶/۶	آزمون کای اسکوئر	۱۳/۶۷	۰/۰۰۱
	غیرشاغل	۸۷/۰	۸۳/۴	آماره گاما (معیار پیوند)	-۰/۳۴۹	
سطح تحصیلات	ابتدایی و کمتر	۱۹/۱	۶/۹	آزمون کای اسکوئر	۶۸/۳	۰/۰۰۰
	راهنمایی	۲۰/۶	۲۸/۳	آماره گاما (معیار پیوند)	۰/۴۴۷	
	متوسطه	۴۰/۵	۳۷/۲			
میانگین سن در اولین ازدواج	دانشگاهی	۱۹/۸	۲۷/۶	آزمون کروسکال والیس	۹۲/۹۶	۰/۰۰۰
		۱۹/۳۹	۱۹/۸۹			
کل نمونه	۳۲/۳	۳۵/۸	۳۱/۹			

مشخصه دیگری که در نسل متولدین دهه ۱۳۶۰ قابل ملاحظه است، افزایش میانگین سن ازدواج است. میانگین سن ازدواج نسل متولدین دهه ۱۳۴۰، ۱۹/۳۹ سال بوده است. در نسل

متولدین دهه ۱۳۵۰ میانگین سن ازدواج به ۱۹/۸۹ سال افزایش یافته است. بیشترین افزایش مربوط به نسل متولدین دهه ۱۳۶۰ است که برابر با ۲۲/۵ سال است.

تفاوت‌های نسلی در ازدواج خویشاوندی

جدول ۲، رابطه نوع ازدواج را با ویژگی‌های محل سکونت، وضعیت اشتغال، سطح تحصیلات، سن ازدواج و نسل می‌سنجد. بیش از ۴۰ درصد از ازدواج‌ها در نمونه مورد مطالعه به شیوه خویشاوندی صورت پذیرفته است. در این میان ۲۷/۴ درصد زنان با خویشاوند نزدیک خود ازدواج کرده‌اند.

وقوع ازدواج خویشاوندی در میان زنان ساکن روستا و شهر تفاوت معناداری ندارد و ۳۹/۶ درصد از زنان شهری به‌صورت خویشاوندی ازدواج کرده‌اند که در این میان ۲۶/۸ درصد با خویشاوند نزدیک و ۱۲/۸ درصد با خویشاوند دور ازدواج کرده‌اند. در مناطق روستایی ۴۴/۶ درصد از ازدواج‌ها خویشاوندی است که ۲۹/۳ درصد از زنان با خویشاوند نزدیک و ۱۵/۲ درصد با خویشاوند دور ازدواج کرده‌اند. بررسی درصد ازدواج خویشاوندی در زنان برحسب موقعیت شغلی نشان می‌دهد که بین ازدواج خویشاوندی و اشتغال زنان رابطه منفی وجود دارد. در حالی که ۴۴ درصد از زنان غیرشاغل با یکی از خویشاوندان خود ازدواج کرده‌اند، کمتر از یک‌سوم زنان شاغل به چنین شیوه‌ای ازدواج کرده‌اند.

بررسی رابطه نوع ازدواج و سطح تحصیلات نشان می‌دهد که درصد ازدواج خویشاوندی با افزایش سطح تحصیلات کاهش می‌یابد. در حالی که نزدیک به دوسوم از زنان با سطح تحصیلات ابتدایی و کمتر (۶۲/۲ درصد) با یکی از خویشاوندان خود ازدواج کرده‌اند. در این میان نیمی از زنان با خویشاوندان نزدیک ازدواج کرده‌اند. درست در نقطه مقابل دوسوم زنان با تحصیلات دانشگاهی ازدواج غیرخویشاوندی داشته‌اند. تفاوت میان ازدواج خویشاوندی نزدیک و دور نیز در سطوح مختلف تحصیلی قابل توجه است در حالی که در سطوح پایین تحصیلی تفاوت بیشتری در این دو نوع ازدواج خویشاوندی وجود دارد در سطوح بالاتر این تفاوت کمتر شده است.

جدول ۲. جدول توافقی زنان بر حسب ویژگی‌های افراد نمونه و نوع ازدواج در استان سمنان سال ۱۳۹۱

متغیر	نوع ازدواج			کل	آماره آزمون کلی - اسکور پیوند	آماره P - مقدار
	خویشاوند نزدیک	سایر خویشاوندان	غیر خویشاوند			
سطح تحصیلات	ابتدایی و کمتر	۵۱/۴	۱۱/۴	۳۷/۱	۱۰۰	۰/۰۰۰
	راهنمایی	۴۰/۳	۱۸/۲	۴۱/۶	۱۰۰	
	متوسطه	۲۵/۸	۱۳/۲	۶۱/۰	۱۰۰	
	دانشگاهی	۱۵/۷	۱۱/۲	۷۳/۱	۱۰۰	
وضعیت شغلی	شاغل	۲۰/۰	۷/۵	۷۲/۵	۱۰۰	۰/۰۲۴
	غیرشاغل	۲۹/۲	۱۴/۸	۵۶/۰	۱۰۰	
محل سکونت	شهر	۲۶/۸	۱۲/۸	۶۰/۴	۱۰۰	۰/۰۶۷۹
	روستا	۲۹/۳	۱۵/۲	۵۵/۴	۱۰۰	
کوهورت موالید	دهه ۴۰	۳۸/۲	۹/۹	۵۱/۹	۱۰۰	۰/۰۰۴
	دهه ۱۳۵۰	۲۴/۱	۱۷/۹	۵۷/۹	۱۰۰	
	دهه ۱۳۶۰+	۲۰/۲	۱۱/۶	۶۸/۲	۱۰۰	
	کل	۲۷/۴	۱۳/۳	۵۹/۳	۱۰۰	

* آماره گاما، ** آماره وی - کرامر

بررسی رابطه نوع ازدواج و سن ازدواج نشان می‌دهد که وقوع ازدواج خویشاوندی با افزایش سن در اولین ازدواج کاهش می‌یابد. ازدواج زودرس در میان ازدواج‌های خویشاوندی بیشتر اتفاق می‌افتد و بیش از نیمی از زنانی که در سنین کمتر از ۱۷ سالگی ازدواج کرده‌اند، ازدواج خویشاوندی دارند. در حالی که این شکل از ازدواج در میان کسانی که پس از ۲۵ سالگی ازدواج کرده‌اند به کمتر از یک‌سوم کاهش یافته است.

یافته‌های جدول نشان می‌دهد که تفاوت‌های نسلی محسوسی به لحاظ نسبت با همسر وجود دارد. در کوهورت متولدین دهه ۱۳۴۰ نزدیک به نیمی از زنان (۵۱/۹ درصد) با یکی از خویشاوندان (نزدیک یا دور) ازدواج کرده‌اند و ۳۸/۲ درصد از زنان این کوهورت با خویشاوند نزدیک ازدواج کرده‌اند. اما در کوهورت متولدین دهه ۱۳۶۰، تنها حدود یک‌سوم (۳۲/۸ درصد) از زنان این‌گونه ازدواج کرده‌اند و ۲۰/۲ درصد با خویشاوند نزدیک ازدواج کرده‌اند. نتایج آزمون آماری بر روی ازدواج خویشاوندی با متغیر کوهورت نیز نشان داد که تفاوت معناداری در سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد بین نوع ازدواج با کوهورت‌ها وجود دارد.

جدول ۳، تحلیل واریانس میانگین سن ازدواج را برای انواع ازدواج نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که میانگین سن ازدواج میان سه نوع مختلف ازدواج با یکدیگر در سطح معناداری ۰/۰۱ تفاوت دارند (p- مقدار برابر ۰/۰۰۱). میانگین سن ازدواج (۲۰/۹۳ سال) بین غیرخویشاوندان بالاتر از سایر انواع ازدواج است.

جدول ۳. میانگین سن ازدواج زنان به تفکیک نوع ازدواج در استان سمنان سال ۱۳۹۱

متغیر	میانگین سن در اولین ازدواج	انحراف معیار	آماره F	P - مقدار
خویشاوند نزدیک	۱۹/۶۳	۳/۱۴	۶/۹۷	۰/۰۰۱
سایر خویشاوندان	۲۰/۸۳	۲/۷۸		
غیرخویشاوند	۲۰/۹۳	۳/۱۵		
کل	۲۰/۵۷	۳/۱۵		

بخشی از تفاوت‌های بین‌کوهورتی در نوع ازدواج می‌تواند ناشی از تفاوت‌های کوهورتی در برخورداری از مشخصه‌های اجتماعی مدرن نظیر سطح تحصیلات بالا، زندگی شهرنشینی، سن ازدواج بالاتر باشد به همین دلیل در ادامه با انجام تحلیل چندمتغیره و کنترل سایر مشخصه‌های اجتماعی - جمعیتی، به بررسی تأثیر کوهورت بر ازدواج خویشاوندی می‌پردازیم. متغیرهای مستقل عبارتند از کوهورت، سطح تحصیلات، سن ازدواج و وضعیت شغلی. متغیر وابسته نیز به یک متغیر اسمی دووجهی تبدیل گردیده و شامل دو دسته ازدواج خویشاوندی و غیرخویشاوندی است. با توجه به اینکه ازدواج خویشاوندی متغیر اسمی دو وجهی است، در این بخش رگرسیون لجستیک به کار گرفته شده است. در مدل اول متغیر کوهورت وارد مدل می‌گردد و در مدل دوم وضعیت شغلی، سن ازدواج و سطح تحصیلات وارد می‌شوند. نتایج پیش‌بینی احتمال ازدواج خویشاوندی با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک در جدول ۴ ارائه شده است. در مدل اول تأثیر متغیر کوهورت به‌تنهایی بر نوع ازدواج سنجیده شده است. نتایج تحلیل رگرسیون حکایت از این دارد که از نظر نوع ازدواج خویشاوندی کوهورت متولدین دهه ۱۳۵۰ تفاوت معناداری با کوهورت متولدین سال ۱۳۶۰ به بعد ندارند. اما قرار گرفتن در کوهورت متولدین دهه ۱۳۴۰ احتمال ازدواج خویشاوندی را افزایش می‌دهد.

در مدل دوم متغیرهای اجتماعی - جمعیتی به مدل اضافه شده است. در این مدل متغیر کوهورت معناداری خود را از دست می‌دهد. البته همچنان احتمال ازدواج خویشاوندی در کوهورت متولدین دهه ۱۳۴۰ بیشتر است. متغیر سن ازدواج و وضعیت شغلی نیز که در تحلیل دومتغیره معنادار شناخته شده بودند در مدل دوم معناداری خود را از دست داده‌اند. رابطه متغیر سن ازدواج با ازدواج خویشاوندی نیز اگرچه از نظر آماری معنادار نشده است، از احتمال بیشتر ازدواج خویشاوندی در میان افرادی که در سنین کمتر از ۱۷ سال ازدواج کرده‌اند، حکایت می‌کند.

جدول ۴. برآورد نسبت بخت نوع ازدواج با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک در استان سمنان

مدل ۲		مدل ۱			
معناداری	نسبت برتری	معناداری	نسبت برتری		
۰/۵۵۰	۱/۲۰	۰/۰۰۸	۱/۹۸	دهه ۴۰	
۰/۹۵۷	۱/۰۲	۰/۰۷۹	۱/۵۵	دهه ۱۳۵۰	
				دهه ۱۳۶۰ + (مرجع)	
۰/۱۲۶	۰/۶۴			شاغل غیرشاغل (مرجع)	
۰/۵۴۵	۱/۱۷			شهر روستا (مرجع)	
۰/۰۰۴	۳/۷۱۱			ابتدایی و کمتر	
۰/۰۰۰	۳/۲۱۸			راهنمایی	
۰/۰۴۷	۱/۷۱۶			دیپلم دانشگاهی (مرجع)	
۰/۴۷۱	۰/۹۷۳			میانگین سن ازدواج	
۰/۶۴۰	۰/۶۴۵	۰/۰۰۰	۰/۴۶۶	مقدار ثابت	
	۱۱/۳۲		۰/۰۰۰	آماره آزمون هوسمر لمشو	
	۰/۱۸۶		۱	p-مقدار	

تنها متغیری که رابطه معناداری با احتمال ازدواج خویشاوندی دارد، سطح تحصیلات است. توجه به مقادیر نسبت برتری ضمن تأیید رابطه تحصیلات و ازدواج خویشاوندی، از بالاتر بودن وقوع این نوع ازدواج، در میان افراد با سطح تحصیلات ابتدایی و راهنمایی حکایت دارد. نسبت برتری احتمال ازدواج خویشاوندی در زنانی که تحصیلات ابتدایی و کمتر دارند، ۳/۷۱ برابر و زنانی که تحصیلات راهنمایی دارند، ۳/۲۲ برابر زنانی است که تحصیلات آنها دانشگاهی است.

در مجموع می‌توان گفت که در صورت کنترل هم‌زمان کوهورت با سایر ویژگی‌های اجتماعی جمعیتی، تفاوت‌های ازدواج خویشاوندی در بین سه کوهورت از بین می‌رود. تفاوت‌های کوهورتی مشاهده‌شده در ازدواج خویشاوندی بازتاب تفاوت‌های کوهورتی در سطح تحصیلات است و تحصیلات یک عامل تعیین‌کننده در تفاوت‌های کوهورتی ازدواج خویشاوندی است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این مقاله بررسی تفاوت‌های کوهورتی در ازدواج خویشاوندی بود و فرض اساسی این مطالعه این بود که در جریان تغییرات اجتماعی - اقتصادی که در سطح جامعه اتفاق افتاده است، خانواده نیز تغییر کرده و یکی از جلوه‌های تغییر آن کاهش ازدواج خویشاوندی در کوهورت متولدین دهه ۱۳۶۰ است. برای بررسی این موضوع و آزمون این فرضیه، علاوه بر مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی افراد در سه کوهورت، تفاوت‌های کوهورتی در نوع ازدواج بررسی شد. در این مطالعه زنان زیر ۳۰ سال به‌عنوان کوهورت متولدین بعد از سال ۱۳۶۰، زنان ۳۰ تا ۴۰ سال به‌عنوان کوهورت متولدین دهه ۱۳۵۰ و زنان ۴۰ تا ۵۰ سال به‌عنوان کوهورت متولدین دهه ۱۳۴۰ در نظر گرفته شد.

نتایج مطالعه نشان داد که ۴۰/۷ درصد از نمونه مورد بررسی ازدواج خویشاوندی داشته‌اند. این یافته همسو با سایر مطالعات است. گیونز و هیرشمن (۱۹۹۴) نشان دادند که ۴۰ درصد ازدواج‌ها از نوع خویشاوندی است. مطالعه عباسی شوازی و همکاران (۱۳۸۳) نیز حاکی از آن بود که حدود ۴۰ درصد از نمونه مورد بررسی در چهار استان منتخب آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان، گیلان و یزد دارای همسر خویشاوند بوده‌اند.

بررسی رابطه نوع ازدواج و سطح تحصیلات نشان می‌دهد که درصد ازدواج خویشاوندی با افزایش سطح تحصیلات کاهش می‌یابد. در حالی که نزدیک به دوسوم زنان با تحصیلات ابتدایی با یکی از خویشاوندان خود ازدواج کرده‌اند، در میان زنان با تحصیلات دانشگاهی حالت عکس دارد و کمتر از یک‌سوم زنان با تحصیلات دانشگاهی به‌صورت خویشاوندی ازدواج کرده‌اند. تحصیل در دانشگاه موجب می‌شود، افراد طی سال‌هایی که در دانشگاه تحصیل می‌کنند، تعاملات زیادی با افراد مختلف داشته باشند و از طریق افزایش تعاملات، آشنایی با غیرخویشاوندان و گزینه‌های انتخاب همسر خود را گسترش دهند. ضمن اینکه افزایش تحصیلات می‌تواند برخورداری زنان از استقلال فردی به‌طور کل و امکان انتخاب همسر از غیرخویشاوندان را افزایش دهد.

یکی از اهداف این مطالعه بررسی تغییرات کوهورتی در ازدواج بود و فرض بر این بود که تجربیات تاریخی متفاوت کوهورت‌ها بر الگوهای ازدواج و همسرگزینی تأثیر دارند. یافته‌های مطالعه تفاوت‌های کوهورتی در ازدواج خویشاوندی را نشان داد. حدود ۵۱/۹ درصد از ازدواج‌های کوهورت متولدین ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۹ به صورت خویشاوندی بوده است. مروری بر تحولات خانواده در ایران نشان می‌دهد در ابتدای قرن بیستم تا زمان انقلاب اسلامی تلاش مستمری برای الگوپذیری از غرب و مدرنیزاسیون آغاز گردید. طی این دوره در جریان مدرنیزاسیون، جهت فراهم نمودن بستر مناسب برای توسعه اقتصادی و اجتماعی، برنامه‌های وسیعی برای اصلاحات اجتماعی از جانب حکومت به اجرا درآمد. بخشی از برنامه‌های مرتبط با جریان مدرنیزاسیون با اصلاحات ارضی مرتبط شد. اجرای برنامه اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۲، به تولید و بازتولید کوهورتی انجامید که در آن زمین، کار و تولید - که همگی تجلی ارزش‌های خانواده گسترده بودند - به عناصر ارزشمندی تبدیل شدند (سرایی و اوچاقلو، ۱۳۹۲). متولدین دهه ۴۰ در دهه ۶۰ به مرحله ازدواج رسیدند. به دنبال انقلاب اسلامی که در پاسخ به روند نوسازی مهار نشده پیش آمد، روند تغییرات ایجاد شده در ابعاد سازمانی، اقتصادی و فرهنگی مسیرهای مختلفی پیدا کرد (سرایی، ۱۳۸۵). در سال‌های دهه ۱۳۶۰ شاهد بازتعریف مجدد جنبه‌های گوناگون زندگی ایرانیان هستیم. این وضعیت ناشی از دگرگونی ارزش‌های مسلط در نظام فرهنگی و اجتماعی نسبت به دوران پیش از انقلاب است. یکی از ویژگی‌های اساسی انقلاب، تأکید زیاد بر احیاء ارزش‌های اسلامی بود، از این‌رو در قلمرو ارزش‌های خانوادگی جامعه ایران نوعی بازگشت به سنت‌های ریشه‌دار و اصول مذهبی اسلام و تأکید زیاد بر ارزش‌های خانوادگی و فرزندآوری با تکیه بر باورهای دینی و مذهبی صورت گرفت. بسیاری از اقدامات و برنامه‌هایی که به نظر مغایر با ارزش‌های اسلامی می‌آمد، لغو شد. در طی این دوره، ازدواج زودرس به عنوان ارزشی اسلامی و ابزاری مهم برای ریشه‌کنی فساد اخلاقی و دیگر آسیب‌های اجتماعی پذیرفته شد (عباسی، شوازی، ۲۰۰۰؛ هودفر و اسدپور، ۲۰۰۰: ۲۱). در این دوره حداقل سن قانونی ازدواج کاهش یافت و از ۱۵ به ۱۳ سال برای دختران و از ۱۸ به ۱۵ سال برای پسران رسید (عباسی شوازی، ۲۰۰۶: ۲۱۷). بنابراین در کوهورت متولدین دهه ۴۰ خانواده گسترده اهمیت داشته است و زمانی که این کوهورت به سن ازدواج رسیده‌اند، ازدواج در سنین پایین، ازدواج به صورت خویشاوندی و بر پایه برخی سنت‌ها و الزامات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی انجام می‌شده است.

در سال‌های ۱۳۶۰ به بعد شاهد شکل‌گیری نسلی هستیم که نه تنها به آموزش دسترسی داشتند بلکه توانسته‌اند تحصیلات خود را برای یک دوره طولانی ادامه دهند. به شبکه‌های اطلاعاتی متنوعی دسترسی دارند، بنابراین در معرض ایده‌ها و اشکال جدید خانواده قرار دارند، سن ازدواج آنها افزایش یافته، به تبع زمان همزیستی آنان با والدین‌شان نیز طولانی‌تر شده است. حضور جوانان تحصیل کرده درون خانواده منجر به تغییر روابط بین فرزندان و والدین‌شان شده است (لادیه فولادی، ۱۳۸۳: ۳۰۰). به نظر می‌رسد با توجه به فضای اجتماعی - سیاسی، اقتصادی، فرهنگی که جامعه ایران تجربه می‌کند، این کوهورت، رفتارها و نگرش‌های نوین در عرصه‌های مختلف داشته باشند و در انتخاب همسر با استقلال بیشتری عمل کنند. یافته‌های این مطالعه نشان داد ۳۰ درصد از ازدواج‌ها در متولدین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۹ به صورت خویشاوندی است. بنابراین کاهش ازدواج خویشاوندی در این کوهورت ارتباط زیادی به شرایط زمانی دارد که این کوهورت در آن زندگی می‌کردند.

در مجموع یافته‌های این مطالعه در راستای تأیید و حمایت از فرض تئوریک مقاله در زمینه تفاوت‌های کوهورتی ازدواج خویشاوندی و کاهش آن در کوهورت متولدین دهه ۱۳۶۰ است. در سایر مطالعات نیز کاهش مطلوبیت ازدواج خویشاوندی در کوهورت جوان دیده شده است (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸؛ حسینی و بگی، ۱۳۹۳).

با توجه به تفاوت‌های کوهورتی در مشخصه‌های فردی و زمینه اقتصادی - اجتماعی، بخشی از تفاوت‌های بین کوهورتی در این زمینه، می‌تواند ناشی از تفاوت‌های کوهورتی در برخورداری از مشخصه‌های اجتماعی مدرن نظیر سطح تحصیلات بالا، زندگی شهرنشینی و سن ازدواج بالاتر باشد و بخشی از آن نیز می‌تواند به تغییرات ایده‌ایی و پذیرش سریع‌تر و گسترده‌تر آن توسط کوهورت جدید مربوط باشد. به هر حال اکثریت نسل جوان تحصیلات دانشگاهی دارند، تحت تأثیر جهانی شدن و گسترش فناوری بیشتر در معرض ایده‌ها و شیوه‌های نوین زندگی قرار دارند و بنابراین به نظر می‌رسد تحت تأثیر این عوامل، ازدواج خویشاوندی برای آنها مطلوبیت کمتری داشته باشد. به همین دلیل در این مطالعه با انجام تحلیل چندمتغیره و کنترل سایر مشخصه‌های اجتماعی - جمعیتی، به بررسی تأثیر کوهورت بر ازدواج خویشاوندی پرداختیم.

نتایج نشان داد که در صورت کنترل هم‌زمان کوهورت با سایر ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی، تفاوت‌های ازدواج خویشاوندی در بین سه کوهورت از بین می‌رود. تفاوت‌های

مشاهده شده بازتاب تفاوت‌های کوهورتی در سطح تحصیلات است و تحصیلات یک عامل تعیین‌کننده در تفاوت‌های کوهورتی ازدواج خویشاوندی می‌باشد. در مطالعاتی که در زمینه ازدواج خویشاوندی انجام شده است، نقش تعیین‌کننده تحصیلات بر وقوع ازدواج خویشاوندی نشان داده شده است (عباسی شوازی، ۲۰۰۶؛ گیونز و هیرشمن، ۱۹۹۴؛ حسین و بیتلز، ۲۰۰۰). کوهورت متولدین دهه ۱۳۶۰ تحصیلات دانشگاهی دارند، بنابراین استقلال آنها در زمینه انتخاب همسر افزایش یافته است. به واسطه تعاملات اجتماعی گسترده‌تر دامنه انتخاب آن‌ها نیز گسترش یافته است. هیرشمن (۱۹۸۵) به این نتیجه رسید که در میان عواملی نظیر هم‌دوره بودن، محل سکونت، سال‌های تحصیل، وضعیت اشتغال و شغل همسر، تحصیلات زنان مهمترین عامل تفاوت در الگوهای ازدواج است. از نظر وی زنان با تحصیلات بالاتر و موقعیت اقتصادی اجتماعی بالاتر، استقلال بیشتری به سمت انتخاب همسر دارند و ازدواج در سنین پایین، ازدواج خویشاوندی و ترتیب‌یافته برای این گروه از افراد کمتر است. در مجموع یافته‌های این مطالعه نشان داد که خانواده متأثر از جریان نوسازی شهرنشینی و گسترش اطلاعات و ارتباطات دچار تغییر و دگرگونی شده است و یکی از نتایج این تغییر، کاهش ازدواج خویشاوندی در کوهورت متولدین دهه ۱۳۶۰ است. با این حال باید توجه داشت که این شکل از ازدواج محو و نابود نشده است و هنوز درصد قابل توجهی از ازدواج‌ها به صورت خویشاوندی است. بنابراین این سوال هنوز لاینحل باقی می‌ماند که چرا علی‌رغم تغییرات اقتصادی - اجتماعی - جمعیتی جامعه ایران و همچنین افزایش آگاهی افراد جامعه و هشدار پزشکان و مسئولان حوزه سلامت در خصوص تأثیرات ازدواج خویشاوندی بر سلامت خانواده، هنوز درصد بالایی از ازدواج‌ها به شیوه خویشاوندی انجام می‌پذیرد. پاسخ به این سؤال و تبیین دلایلی که مشخصه جمعیت‌شناسی مدرن است می‌تواند از طریق رویکرد جمعیت‌شناسی مردم‌شناسانه عملی شود (جانسون - هنز، ۲۰۰۷) و تداوم این شیوه همسرگزینی درون یک شبکه پیچیده‌ای از روابط شامل هنجارهای اجتماعی - فرهنگی، ساختار اجتماعی، قدرت سیاسی و روابط اقتصادی فهمیده شود. بنابراین ضرورت تحقیقات بعدی با رویکرد جمعیت‌شناسی مردم‌شناسانه برای دستیابی به شناخت دقیق سایر عوامل اجتماعی - فرهنگی تأثیرگذار برجسته می‌شود.

منابع

- حسینی، حاتم (۱۳۸۹)، تفاوت‌های قومی در رفتارها ازدواج زنان و نگرش آن‌ها نسبت به ازدواج دختران در شهرستان ارومیه، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال پنجم، شماره ۹: ۷-۲۸.
- حسینی، حاتم و بلال بگی (۱۳۹۳)، بررسی تجربه عملی و نگرش زنان کرد همسردار شهر مهاباد نسبت به الگوی ازدواج خویشاوندی، مقاله ارائه شده در هفتمین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۳۱ اردیبهشت و ۱ خرداد.
- رازقی نصرآباد، حجه بی‌بی (۱۳۹۲)، شمار فرزندان ایده‌آل و واقعی و شکاف میان آن‌ها در سه استان منتخب سمنان، کهگیلویه و بویراحمد و هرمزگان، *گزارش طرح پژوهشی، موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور*.
- سرایبی، حسن و سجاد اوجاقلو (۱۳۹۲)، مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران (مطالعه موردی: زنان شهر زنجان)، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال پنجم، شماره ۴: ۱۹-۴۱.
- سرایبی، حسن (۱۳۸۵)، تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال یکم، شماره ۲: ۳۷-۶۰.
- سگالن، مارتین (۱۳۷۰)، *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*، ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.
- عباسی شوازی، محمدجلال و عباس عسکری ندوشن (۱۳۸۴)، تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران (مطالعه موردی استان یزد)، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۵: ۳۵-۷۵.
- عباسی شوازی، محمدجلال، میمنت حسینی چاووشی، پیتروکلونالد، و بهرام دلاور (۱۳۸۳)، *تحولات باروری در ایران شواهدی از چهار استان منتخب*، تهران: وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی.
- عباسی شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (۱۳۸۴)، قومیت و الگوهای ازدواج در ایران، *پژوهش زنان*، دوره ۳، شماره ۱: ۲۵-۴۷.
- عباسی شوازی، محمدجلال و فاطمه ترابی (۱۳۸۵ الف)، *سطح، روند و الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، شماره ۲: ۶۱-۸۸.

عباسی شوازی، محمدجلال و فاطمه ترابی (۱۳۸۵ب)، تفاوت‌های بین نسلی ازدواج خویشاوندی در ایران، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفتم، شماره ۴: ۱۴۶-۱۱۹.

عسکری ندوشن، عباس، محمد جلال عباسی شوازی و رسول صادقی (۱۳۸۸)، مادران، دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌های و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد)، *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۱(۴): ۳۶-۷.

عسکری ندوشن، عباس (۱۳۸۲)، *عوامل نهادی مؤثر بر باروری با تأکید خاص بر تحولات خانواده در ایران (مطالعه موردی استان یزد)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران.

کاظمی پور، شهلا (۱۳۹۰)، *تحولات ازدواج و طلاق در ایران*، منبع اینترنتی

[/http://archive.hamshahrionline.ir](http://archive.hamshahrionline.ir)

کتابی، احمد (۱۳۷۹)، *زناشویی با خویشاوندان بسیار نزدیک در ایران باستان، نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۶: ۱۹۲-۱۶۷.

لادیه فولادی، ماری (۱۳۸۳)، *تحول جمعیتی - اجتماعی خانواده و تأثیر آن بر رفتار اجتماعی جوانان، مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۳۱۰-۲۹۱.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، *سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵*.

Abbasi-Shavazi, M.J., P. McDonald and M.Hosseini-Chavoshi (2006), The Path to Below Replacement Fertility in Iran, *Asia-Pacific Population Journal*, 22 (2): 91-112.

Abbasi-Shavazi, M.J., P. McDonald and M.Hosseini-Chavoshi (2008), Modernization and the Cultural Practice of Consanguineous Marriage: Case Study in Four Province of Iran, *Journal of Biosocial Science*: 1-23.

Abbasi-Shavazi, M.J. (2000). Effects of Marital Fertility and Nuptiality on Fertility Transition in the Islamic Republic of Iran, 1976-1996. Canberra, Australian National University: Working Papers in Demography, No. 84.

Abdalla, B. and A. Zaher (2013), Consanguineous Marriages in the Middle East: Nature Versus Nurture, *The Open Complementary Medicine Journal*, 5: 1-10.

- Bittles, A.H. (1994), The Role and Significance of Consanguinity as a Demographic Variable, *Pop. Dev. Rev.* 20: 561-584.
- Givens, B.P. and C. Hirschman, (1994), Modernization and Consanguineous Marriage in Iran, *Journal of Marriage and the Family*, 56(4): 820-834.
- Good, W.J. (1963), *World Revolution and Family Patterns*, New York: Free Press.
- Hafez, M., H. El-Tahan, M. Awadalla, H. El-Khayat, A. Abdel-Gafar and M. Ghoneim (1983), Consanguineous Matings in the Egyptian Population, *Journal of Medical Genetics*, 20: 58-60.
- Hirschman, C. (1985), Premarital Socioeconomic Roles and the Timing of Family Formation: A Comparative Study of Five Asian Societies, *Demography*, 22: 35-60.
- Hoodfar, H. and S. Assadpour (2000), The Politics of Population Policy in the Islamic Republic of Iran, *Studies in Family Planning*, 31: 19-34.
- Husain, M. and M. Bunyan (1997), Consanguineous Marriages in a Saudi Population and the Effect of Inbreeding on Prenatal and Postnatal Mortality, *Ann Trop Paediatr*, 17(2): 155-60.
- Hussain, R. and A.H. Bittles (1999), Consanguinity and differentials in Age at Marriage, Contraceptive Use and Fertility in Pakistan, *J. Biosoc. Sci.* 31: 121-138.
- Hussain, R. and A.H. Bittles (2000), Sociodemographic Correlates of Consanguineous Marriage in the Muslim Population of India, *J. Biosoc. Sci.* 32: 433-442.
- Johnson-Hanks, J. (2007), What Kind of Theory for Anthropological Demography? *Demographic Research*, 16: 1-26.
- Mehndiratta, M.M. , B. Paul, and P. Mehndiratta (2007), Arranged Marriage, Consanguinity and Epilepsy, *Neurol Asia*, 12(1): 7-15.
- Morgan, P. and K. Hirosima (1983), The Persistence of Extended Family Residence in Japan: Anarchonism or Alternative Strategy?, *American Sociological Review*, 48(2): 269-281.
- Ryder, N. (1965), The Cohort as a Concept in the Study of Social Change, *American Sociological Review*, 30: 843-861.